

رویکردی روش‌شناختی به الگوها و مطالعات اطلاع‌یابی: مقایسه وضعیت داخل و خارج از کشور

رضا مختارپور: کارمند نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی اهواز (نویسنده مسئول). rezamokhtarpour@gmail.com
مریم کشوری: کارمند نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی اهواز.

چکیده

زمینه و هدف: این مقاله، بنا دارد تا از طریق بررسی روش‌شناختی برخی از شاخص‌ترین پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه رفتار اطلاع‌یابی در خارج از کشور و تدقیق در مراحل معرفی الگوهای اطلاع‌یابی مورد بررسی، چشم‌اندازی هر چند مختصر پیش روی پژوهشگران ایرانی این حوزه قرار داده و امکان مقایسه وضعیت روش‌شناختی این‌گونه مطالعات را در داخل و خارج از کشور فراهم آورد. **روش:** در مطالعه حاضر سعی شده تا به روش اسنادی، و بررسی متون نگاشته‌شده در حوزه‌های مرتبط با هریک از الگوهای اطلاع‌یابی، خاستگاه‌های روش‌شناسانه هر الگو، به صورت جداگانه، مورد تحلیل قرار گیرد.

یافته‌ها: بررسی‌ها حکایت از آن دارد که پژوهشگران ایرانی، در مطالعات اطلاع‌یابی خویش، از سنت روش‌شناختی حاکم بر پژوهش‌های تأثیرگذار این حوزه، که عمدتاً مبتنی بر رعایت اصل تنوع روش‌شناختی هستند، غافل بوده و رویکردی کلیشه‌ای (و گاه الگوپردازی صرف از آثار دیگران) را در دستور کار قرار داده‌اند. نکته تناقض‌آمیز قضیه اینجا است که این بی‌اعتنایی، در شرایطی صورت می‌پذیرد که پژوهشگران ایرانی، بارها و بارها در بخش پیشینه مطالعات خود، به پژوهش‌های تأثیرگذار گذشته ارجاع می‌دهند بی‌آنکه اندک نگاهی به روش‌های بکارگرفته از سوی آن‌ها داشته باشند.

نتیجه‌گیری: به کمک مطالعه‌ی آثار نگاشته‌شده در زمینه روش و روش‌شناسی‌های پژوهش در امتداد گستره وسیعی از رشته‌های علمی، می‌توان به شیوه‌ی استقرائی، به فهرستی از روش‌های علمی دست‌یافت و آن‌ها را به تناوب، در قالب پژوهش‌های مستقل، به بوته آزمایش نهاد تا میزان توانمندی آن‌ها در مطالعاتی همچون مطالعات کاربران به اثبات برسد. کلید مشکلات موجود، ایجاد تنوع روش‌شناختی است.

کلیدواژه‌ها: رفتار اطلاع‌یابی، روش‌شناسی پژوهش، مطالعات کاربران، الگوهای اطلاع‌یابی، تنوع روش‌شناختی

دریافت: ۸ مهر ۱۳۹۴
 ویرایش: ۲ اردیبهشت ۱۳۹۵
 پذیرش: ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۵

مقدمه

داده‌اند (ویلسون^۲، ۱۹۹۹). پژوهش‌های اطلاع‌یابی، با توجه به حاکمیت رویکرد نظام‌مدار، در آغاز راه، مبتنی بر رویکردهای کمی و یکجانبه‌گرایانه بود. اما رفته رفته، با تغییر نگرش‌ها از مطالعات نظام‌مدار به کاربرمدار، پای مطالعات کیفی، با محوریت پرداختن به ابعاد شناختی و عاطفی کاربران، نیز به این‌گونه مطالعات باز شد. جدال پژوهشگران کمی و کیفی بر سر حقانیت روش‌های علمی، تا بدانجا پیش رفت که عده‌ای رویکرد روش‌شناختی جدیدی را تحت عنوان رویکرد ترکیبی به ساحت علم عرضه داشتند. آنچه در این مجال دستمایه کار نویسندگان قرار گرفته، تأکید بر لزوم توجه به تنوع روش‌شناختی در مطالعات اطلاع‌یابی در ایران است. موضوع فقر بنیان‌های نظری در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی، موضوعی غیرقابل انکار است. وقتی یکی از ملاک‌های تفکیک علم از غیرعلم، داشتن نظریه تلقی

نقطه کانونی مطالعات رفتار اطلاع‌یابی، بررسی فرایند تعامل انسان با اطلاعات است که بیشتر به شکل یک فرایند حل مسئله تجلی می‌یابد. انسان به حکم انسان‌بودن، و بر اساس حس کنجکاو غریزی، در خلال تکاپو برای پُر کردن شکاف‌های ذهنی خود، فرایندی را رقم می‌زند که امروزه در متون تخصصی از آن به رفتار اطلاعاتی (در معنای عام)، و رفتار اطلاع‌یابی (در معنای خاص) تعبیر می‌شود. ازدیاد تعداد پژوهش‌ها در زمینه رفتار اطلاعاتی کاربران، در واقع، بازنمون تغییر نگرش یا پارادایم از مطالعات نظام‌مدار به مطالعات کاربرمدار است. ریشه و خاستگاه پژوهش‌های رفتار اطلاعاتی را (البته با اندکی اغماض) به سال ۱۹۴۸، و مقالات ارائه شده در زمینه رفتار اطلاعاتی دانشمندان و متخصصان فناوری در «همایش اطلاعات علمی انجمن سلطنتی انگلستان»^۱ نسبت

2. Wilson

¹. Royal Society Scientific Information Conference

پژوهشگران، باید به جای تلاش بیش‌تر برای ارائه الگوهای جدید، به تدقیق در ماهیت الگوهای گذشته، و تکمیل آن‌ها بپردازند. با یک نگاه بدبینانه، بادن (۱۳۸۸)، عدم اقبال پژوهشگران به بازبینی و تدقیق در الگوهای پیشین (در عین استناد به آن‌ها) را این‌گونه تفسیر نموده که «شاید ... پژوهشگران، انتشار و گسترش الگوهای مخصوص به خود را نوعی منزلت علمی برای خود تلقی می‌کنند و به همین دلیل از تصدیق و اصلاح الگوهای دیگران سر باز می‌زنند». گرچه در متون انگلیسی، به مبحث تحلیل محتوای مطالعات صورت گرفته در زمینه رفتار اطلاعاتی پرداخته شده و در آن‌ها بخش کوچکی نیز به تحلیل روش‌های مورد استفاده اختصاص داده شده است که از جمله شاخص‌ترین آن‌ها می‌توان به سلسله مطالعات جولین و همکاران^۹ وی اشاره داشت، با این حال، وجه تمایز مطالعه حاضر با مطالعاتی از این دست، نگاه عمیق و روش‌شناختی آن است که عمدتاً با محوریت بررسی روش شناختی الگوهای اطلاع‌یابی شاخص صورت پذیرفته است. برای مثال، در پژوهش‌های جولین و همکاران وی، هرگز به سنت روش‌شناختی مطالعات پایه در حوزه رفتارهای اطلاع‌یابی پرداخته نشده و در نتیجه، امکان مقایسه وضعیت فعلی با رویکرد روش‌شناختی مطالعات گذشته برای خواننده تدارک دیده نشده است. آنچه در این مطالعات عمدتاً مد نظر بوده، مقایسه وضعیت پژوهشگران و حرفه‌مندان^{۱۰} از لحاظ روش‌های پژوهش مورد استفاده آن‌ها بوده است.^{۱۱}

نتایج بررسی‌های نگارندگان در متون فارسی حکایت از آن دارد که به رغم انجام مطالعات فراوان در زمینه بررسی ماهوی الگوهای اطلاع‌یابی، تاکنون هیچ مطالعه‌ای در زبان فارسی با رویکرد و محوریت بررسی روش‌شناختی این‌گونه الگوها صورت نپذیرفته و همین موضوع از اهمیت و ضرورت مقاله حاضر حکایت دارد. در واقع، مطالعه حاضر، در راستای پاسخ به این دغدغه صورت پذیرفته و انتظار می‌رود نتایج آن

می‌گردد، طبیعی است که رشته‌هایی همچون علم اطلاعات، که به مثابه یکی از علوم اجتماعی، با تفسیر، و نه اثبات پدیده‌ها (البته از نوع علوم طبیعی) سر و کار دارند، بیش‌ترین فشارها را در این بین از سوی گروه‌های منتقد دریافت می‌دارند. این در حالی است که، بررسی اجمالی متون نگاشته‌شده در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، از استیلای بی‌چون و چرای مدل‌ها و نظریه‌ها در حوزه رفتارهای اطلاعاتی حکایت دارد (برای کسب اطلاعات بیش‌تر در این زمینه، رجوع کنید به دو کتاب کارن فیشر^۳ (۱۳۸۷) و دونالد کیس^۴ (۱۳۹۳)، و این، به نوعی تأییدکننده این اعتقاد تام ویلسون است که «صرف‌نظر از مباحث بازبایی اطلاعات، تاکنون هیچ یک از موضوعات علم اطلاعات به اندازه مطالعات کاربرمدار، هدف تحقیق پژوهشگران قرارنگرفته است» (ویلسون، ۱۹۸۱). به زعم نگارندگان، بخش عمده‌ای از این موضوع، از عقبه قوی پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه، به ویژه از سوی چهره‌های سرشناسی همچون تام ویلسون نشأت پذیرفته است و اعتقاد ما بر این است که بررسی و تدقیق در جنبه‌های روش‌شناختی الگوهای رفتار اطلاعاتی (در معنای عام) و الگوهای رفتار اطلاع‌یابی (در معنای خاص)، می‌تواند به نوعی، راه را برای انجام پژوهش‌های اینچنینی در دیگر حوزه‌های مطالعاتی علم اطلاعات و دانش‌شناسی، و در نتیجه، ارائه مدل‌ها و نظریه‌های جدید، بگشاید.

بادن^۵ (۱۳۸۸)، ضمن اشاره به نقش سهولت و سادگی الگوی اطلاع‌یابی ویلسون در فراگیر شدن آن، به این نکته بسیار مهم اشاره داشته که چنین الگوهای، زمینه شکل‌گیری مبانی آموزش و تعلیم موضوعاتی از این دست را فراهم می‌آورد. ویلسون (۱۹۹۹)، خود، یکی از انتقادات وارده به پژوهش‌های رفتار اطلاعاتی را عدم توجه پژوهشگران به مطالعات پیشین در جهت طراحی چارچوبی نظری برای آغاز پژوهش‌های بیش‌تر، می‌داند. از دید وی راز ماندگاری مدل‌ها و نظریه‌های افرادی همچون، دروین^۶، الیس^۷، کولثاوی^۸ و ویلسون، مبنای قرارگرفتن آن‌ها به عنوان الگویی برای انجام مطالعات بیش‌تر است (همانجا). در واقع، ویلسون اعتقاد بر این دارد که

9. Julien
10. Practitioners

۱۱. برای کسب اطلاعات بیش‌تر در این زمینه رجوع کنید به:

Julien H. (1997). A content analysis of the recent information needs and uses literature. *Library & Information Science Research*, 18 (1), 53-65.

Julien H., Duggan L.J. (2000). A longitudinal analysis of the information needs and uses literature. *Library & information science research*, 22 (3), 291-309.

Julien H, Pecoskie JJ, Reed K. (2011). Trends in information behavior research, 1999-2008: A content analysis. *Library & Information Science Research*, 33(1), 19-24.

3. Fisher
4. Case
5. Bawden
6. Dervin
3. Elis
4. Kuhlthau

کاربر را در تمام فرایند اطلاع‌یابی مد نظر قرار داده است. الگوی دروین نیز مبتنی بر مکتب معنابخشی دروین است که تاکید فراوانی بر جنبه ذهنی اطلاعاتی کاربر و معنا بخشیدن به دنیا توسط کاربر دارد. و بر این باور است که کاربر در جستجوی معناست. الگوی مشابه دیگری در این زمینه وجود ندارد. «الگوهای فرایندهای جستجو توسط الیس و کولثاو در سطح جهانی در هر حوزه‌ای کاربرد دارند و هر کدام از این الگوها مجموعه‌ای از مراحل یا رفتارهای شناختی را توصیف می‌کنند» (کیس، ۲۰۰۶، ترجمه بیگدلی و همکاران، ۱۳۹۳).

با این توضیح، به خوبی روشن می‌شود که نظریه‌های رفتار اطلاعاتی، از دایره پژوهش حاضر خارج بوده و با توجه به گستره موضوع، خود به تنهایی پژوهشی مجزا را می‌طلبد. نگارندگان، پس از شناسایی و دسترسی به مطالعات مرتبط با هر الگو، به روش تحلیل محتوا، مهم‌ترین نکات روش‌شناختی و سیر تکوین هر الگو را شناسایی، و سپس نتایج بررسی‌های خود را برای سهولت در درک خوانندگان، در قالب جدول ارائه‌نموده‌اند. در ادامه، به منظور فراهم نمودن امکان مقایسه میان وضعیت داخل و خارج از کشور، مطالعات مروری صورت‌گرفته در حوزه رفتارهای اطلاع‌یابی ایران ملاک عمل نگارندگان قرار گرفت. در بررسی هر الگو، دو نکته مدنظر نگارندگان قرار گرفته است: (۱) شناسایی پژوهش‌ها و عواملی که پیدایش الگو را رقم زده است؛ و (۲) شناسایی روش‌های پژوهشی که پیش از ارائه هر الگو، از سوی ارائه‌دهندگان آن‌ها به مورد اجرا نهاده شده است.

پرسش‌های تحقیق

شالوده مطالعه حاضر، بر مبنای چهار پرسش بنیادین شکل‌گرفته که گرچه شاید نتوان در قالب یک مقاله نظری، به تمامی ابعاد آن‌ها پاسخ گفت، اما به زعم نگارندگان، می‌توان از این طریق، حتی در حد طرح موضوع، راه را برای انجام پژوهش‌های عمیق در این زمینه گشود. پرسش‌های بنیادین در بحث بررسی و مقایسه وضعیت روش‌شناختی مطالعات اطلاع‌یابی در داخل و خارج از کشور را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱- در مطالعات اطلاع‌یابی خارج از کشور، چه ساختارها و رویکردهایی به لحاظ روش‌شناختی برای مطالعه رفتار کاربران اطلاعات مدنظر قرار گرفته شده است؟

به لحاظ روش‌شناختی، پژوهشگران ایرانی را بر آن دارد تا ضمن بازنگری در روش‌های پژوهش‌های اطلاع‌یابی خود، بسترهای لازم را برای ظهور الگوهای جدید اطلاع‌یابی، یا دست‌کم، تکامل الگوهای قبلی، فراهم آورند. و اما در انتهای این بخش، به جمله‌ای درخور توجه از اسکات پول و مک‌فی^{۱۲} (۱۹۹۴، ص ۴۳) اشاره می‌شود که: «به مانند هر کول پوارو، کارآگاه افسانه‌ای آگاتا کریستی، کارآگاه اجتماعی^{۱۳} باید روش مؤثری داشته باشد؛ چون روش، نقطه‌ی تماس یک شخص با دنیا است. انواع سازه‌ها و گزاره‌ها در نظریه‌های ما، همچنین درجه اطمینانی که به آن‌ها تعلق می‌گیرد، همه بستگی به مجموعه روش‌شناختی ما دارد» (به نقل از کیس، ۱۳۹۳، ص ۳۵۵).

روش

در مطالعه حاضر، همانگونه که در سطور قبل اشاره شد، سعی شده تا به روش اسنادی، و بررسی متون نگاشته شده در حوزه‌های مرتبط با هریک از الگوهای اطلاع‌یابی، خاستگاه‌های روش‌شناسانه هر الگو، به صورت جداگانه، مورد تحلیل قرارگیرد و سپس میان سنت روش‌شناختی الگوهای اطلاع‌یابی و وضعیت حاکم بر این گونه مطالعات در داخل از کشور، ارتباط متناظر برقرار گردد. در گزینش و بررسی مدل‌های بررسی‌شده در مقاله حاضر، از دسته‌بندی ویلسون (۱۹۹۹)، با محوریت مدل‌ها (و نه نظریه‌های) رفتار اطلاع‌یابی، بهره‌گرفته شده است. انتخاب دسته‌بندی ویلسون از این بابت صورت پذیرفته که مقاله وی با عنوان «الگوهای پژوهش رفتار اطلاع‌یابی^{۱۴}»، اولین و پراستنادترین مطالعه در حوزه الگوهای اطلاع‌یابی به حساب می‌آید. از سوی دیگر، تمام الگوهای مورد اشاره و استفاده در این مقاله نسبت به سایر الگوها تکامل و توسعه بیشتری یافته‌اند و بیشتر از سایر الگوها مورد استفاده و استناد بوده‌اند. الگوی ویلسون (همانگونه که در ادامه خواهیم دید) زیربنای سایر الگوها است که به مرور زمان در این حوزه ارائه شده است. الگوی کولثاو حاصل بیست سال تجربه عملی کولثاو در رابطه با دانش‌آموزان و دانشجویان آمریکاست و الگویی است که در آن بر مشاهده و تجربه تأکید فراوانی شده است و جنبه‌های مختلف احساسی و عاطفی

12. Scott Poole & McPhee

13. Social Detective

14. Models in information behavior research

۲- مطالعات اطلاع‌یابی ایران تا چه حد با روح روش‌شناختی حاکم بر مطالعات و الگوهای اطلاع‌یابی مورد بررسی در خارج از کشور منطبق است؟

۳- در صورت عدم انطباق میان وضعیت روش‌شناختی مطالعات داخل و خارج از کشور، چه دلایلی می‌توان برای این ناهمسانی، البته با محوریت مطالعات اطلاع‌یابی در ایران، اقامه نمود؟

۴- راهکارهای پیشنهادی برای بُرون‌رفت از وضعیت موجود چیست؟

در متون نگاشته‌شده در زمینه الگوهای اطلاع‌یابی (به ویژه در ایران)، کمتر متنی را می‌توان سراغ‌گرفت که در کنار پرداختن به فرایند و مراحل اطلاع‌یابی جستجوگران اطلاعات، به پیشینه روش‌شناختی این‌گونه مطالعات و روش‌هایی که به شکل‌گیری این‌گونه الگوها انجامیده نیز پرداخته باشد. نگارندگان، برای پاسخگویی به سؤال نخست تحقیق، پس از بررسی پیشینه روش‌شناختی چهار مورد از الگوهای اطلاع‌یابی شناخته‌شده جهان، وضعیت حاکم بر مطالعات اطلاع‌یابی ایران را موردکنکاش قرار داده‌اند.

الگوهای اطلاع‌یابی: رویکردی روش‌شناختی

۱- الگوی ویلسون، ۱۹۸۱، ۱۹۹۶: اقدام‌پژوهی و مطالعه موردی

قریب به ۳۵ سال از زمان انتشار نسخه اولیه الگوی اطلاع‌یابی ویلسون در سال ۱۹۸۱ می‌گذرد و الگوی یادشده در این سال‌ها، بالغ بر صدها بار در مجلات پایگاه‌های آی. اس. آی، و به دفعات در کتاب‌ها، گزارش‌ها و خلاصه مقالات همایش‌ها مورد استناد قرار گرفته؛ و از بررسی مقالات استناد داده شده به مقاله ویلسون، این‌گونه برمی‌آید که مقاله یادشده، پژوهش‌های اطلاع‌یابی را از دو جنبه نظری و عملی تحت تأثیر قرار داده است (بادن، ۱۳۸۸). مهمترین مشخصه این الگو، توجه ویلسون به آن دسته از قشرهایی است که در نظام‌های اطلاعاتی غیررسمی، همچون بنگاه‌های معاملات ملکی و مراکز فروش خودرو، به عرضه و ارائه اطلاعات می‌پردازند و نقطه کانونی آن نیز، معرفی خاستگاه‌های نیاز اطلاعاتی کاربران با محوریت نیازهای فیزیکی، شناختی و عاطفی است. اما آنچه که از نگاه پژوهش حاضر در زمینه مدل ویلسون حائز

اهمیت است، تدقیق در رویکرد روش‌شناختی ویلسون به موضوع رفتار اطلاع‌یابی، و گونه‌شناسی پژوهش‌ها و رویکردهای ایشان پیش و پس از ارائه الگو است. آنچه مسلم است، این مدل مفهومی، در خلأ ظهور نیافته و بر اساس واقعیت‌های بیرونی شکل گرفته است. برای پی‌بردن به روند شکل‌گیری الگوی ویلسون، و شناسایی بنیان‌های روش‌شناختی آن، به قبل از سال ۱۹۸۱ برمی‌گردیم.

شواهد امر حکایت از آن دارد که بنیان عملیاتی الگوی اطلاع‌یابی سال ۱۹۸۱، چند سال پیش از این تاریخ، یعنی در سال ۱۹۷۵ به دنبال اجرای پروژه پنج‌ساله‌ای موسوم به «اینیس»^{۱۵} و بنیان نظری آن، بنابر اذعان خود ویلسون، در زمان ایراد سخنرانی وی در همایش دانشگاه مریلند^{۱۶} در سال ۱۹۷۱ بنیان نهاده شد (ویلسون، ۲۰۰۵). پروژه اینیس، با حمایت مالی کتابخانه بریتانیا، در دو مرحله، با محوریت مطالعه نیازهای اطلاعاتی و رفتار اطلاع‌یابی کارگران و مدیران مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات اجتماعی در کشور انگلستان به مورد اجرا نهاده شد. در فاز نخست، ۲۵ کارمند (اعم از مدیر و کارگر) در حین کار، به شیوه غیرمشارکتی، مورد مشاهده قرار گرفتند. فاز دوم طرح اینیس نیز مشتمل بود بر انجام مصاحبه ساخت‌یافته با ۱۵۱ کارمند از چهار مؤسسه خدماتی مختلف (برای کسب اطلاعات بیشتر، رجوع کنید به ویلسون و استریتفیلد^{۱۷}، ۱۹۷۷؛ ویلسون و همکاران، ۱۹۷۹). شروع همکاری ویلسون و استریتفیلد در قالب طرح مطالعاتی اینیس، بر پایه دو پیش‌فرض در خصوص شرایط حاکم بر فضای پژوهش‌های رفتار اطلاع‌یابی تا آن زمان استوار بود: نخست آنکه، مطالعات قبلی در حوزه نیازهای اطلاعاتی یا استفاده از اطلاعات، بیشتر با محوریت بررسی دیدگاه کتابداران (و نه کاربران) صورت پذیرفته؛ و دوم آنکه، پژوهش‌های کتابخانه‌محور پیشین، بیشتر با بهره‌گیری از پرسشنامه‌های ساخت‌یافته و پستی صورت پذیرفته، که این خود، موجبات نادیده‌گرفتن علل بُروز رفتار کاربران، و در نتیجه، توصیف صرف رفتارها را در پی داشته است. عدم توان کافی در آزمون فرضیه‌ها^{۱۸}، فقدان تحلیل‌های تبیین‌گر^{۱۹}، و

15. Information Needs and Information Services in Local Authority Social Services Departments (INISS)

16. University of Maryland

17. Streadfield

18. Hypothesis-testing

19. Explanatory analysis of Data

ویلسون (۱۹۸۱ ب)، نیاز اطلاعاتی را مفهومی کاملاً ذهنی و نسبی می‌داند که هیچ نمودی در بیرون از ذهن جستجوگر، نمی‌توان برای آن متصور شد. بنابراین، از دید وی، آنچه نمود بیرونی و عینی دارد، رفتاری است که فرد در خلال فرایند جستجوی اطلاعات از خود بروز می‌دهد. وی، چهار روش را برای بررسی رفتار اطلاع‌یابی کاربران برمی‌شمارد (نمودار ۱) اما در نهایت، از لحن کلام ویلسون این‌گونه برمی‌آید که چون در مطالعات اجتماعی، لازم است شناخت عمیقی نسبت به اوضاع و احوال کاربر در زمینه واقعی، در ذهن پژوهشگر ایجاد شود، نمی‌توان صرفاً به پرسشنامه یا حتی مصاحبه، (دست‌کم در مراحل آغازین پژوهش) اکتفا نمود و باید اساس کار را بر روی مشاهده کاربران در شرایط واقعی قرارداد. ویلسون، از این مرحله از مراحل گردآوری اطلاعات در مطالعات اطلاع‌یابی، به مرحله کسب «دانش مختص به مکان»، تعبیرنموده است (ویلسون، ۱۹۸۱ ب).

تا پیش از سال‌های میانی دهه ۱۹۷۰، پژوهش‌های رفتار اطلاعاتی، بیشتر با محوریت بررسی میزان استفاده از نظام (و نه رفتار کاربران) صورت می‌پذیرفت (ویلسون، ۲۰۰۰). ویلسون و همکارانش در پروژه اینیس، علاوه بر آنکه مطالعه رفتار کاربران را در کانون توجه قرار دادند، با بهادادن به روش‌های پژوهش کیفی، پای این‌گونه مطالعات را نیز به عرصه‌ی پژوهش‌های اطلاع‌یابی باز کرده‌اند. پژوهش‌های کیفی، متأثر از پارادایم طبیعت‌گرایانه، با توجه به تأکیدی که بر ادراک پدیده‌ها در شرایط واقعی و طبیعی دارد، می‌تواند بینش لازم را برای تجارب اطلاع‌یابی فراهم آورد (پاول، ۱۳۸۵، ص ۱۹۲). ویلسون و همکاران وی به خوبی دریافته بودند که تغییر پارادایم از مطالعات نظام‌مدار به مطالعات کاربرمدار، مستلزم بهره‌گیری از مطالعات کیفی در کنار مطالعات کمی است و در نتیجه اساس طرح مطالعاتی، و همین‌طور، مدل اطلاع‌یابی خود را بر پایه بکارگیری روش‌های کیفی بنیان نهادند.

ویلسون و استریتفیلد، در توجیه دلایل انتخاب روش اقدام پژوهشی برای طرح مطالعاتی خود، می‌نویسند: انتخاب شیوه اقدام‌پژوهشی، مبتنی بر این باور بوده که، بخش عمده‌ای از پژوهش‌های حوزه اطلاعات-رفتار، به دلیل عدم کاربست و ارزیابی نتایج این‌گونه پژوهش‌ها از سوی پژوهشگران در مقام عمل، تا حدودی، عقیم و مبهم باقی مانده است. بکارگیری روش اقدام‌پژوهشی، این ایده را در آغاز پژوهش به ذهن

عدم برخورداری از نتایج عملیاتی، مهم‌ترین مواردی است که ویلسون و استریتفیلد به عنوان کاستی‌های پژوهش‌های پیش از پروژه اینیس در حوزه نیازهای اطلاعاتی و رفتار اطلاعاتی، بدان‌ها اشاره داشته‌اند (ویلسون و استریتفیلد، ۱۹۷۷).

از فحوای کلام ویلسون در مقالات مختلف یک نکته بسیار مهم در خصوص وضعیت مطالعات رفتار اطلاعاتی قابل-تشخیص است و آن دغدغه وی نسبت به کاستی‌های روش-شناختی و بعضاً اتخاذ نگاه‌های یکسویه نسبت به روش‌های پژوهش در زمینه رفتار اطلاع‌یابی است: حاکمیت سنت اثبات-گرایانه در قالب حمایت از روش‌های پژوهش کمی و عدم همخوانی کامل این‌گونه روش‌ها با روح مطالعات مربوط به رفتار انسان‌ها، از جمله مهم‌ترین دلایلی است که ویلسون برای عدم پیشرفت مطالعات رفتار اطلاع‌یابی مطرح می‌سازد (برای اطلاعات بیشتر، رجوع کنید به ویلسون، ۱۹۹۴، ۱۹۹۹، ۲۰۱۰). ویلسون و همکاران مطالعاتی وی در پروژه اینیس، برای جبران کاستی‌ها، بر آن شدند تا طرحی نو (یا به تعبیر ویلسون، ۲۰۱۰، طرحی غیرمعمول) در زمینه روش پژوهش در حوزه رفتار اطلاع‌یابی دراندازند و برای نیل به این هدف خود، دو نوع روش پژوهش، و یک روش گردآوری داده جدید را برای کار خود به خدمت گرفتند: اقدام پژوهی^{۲۰}، مطالعه موردی، و مشاهده ساخت‌یافته و غیرمشارکتی^{۲۱} (جدول ۱).

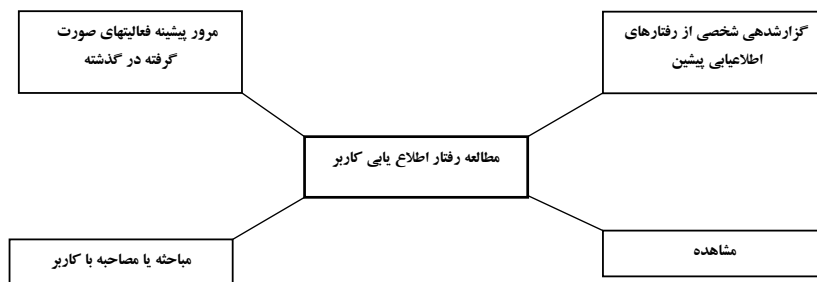
ویلسون و استریتفیلد، در طرح جدید، بررسی رفتار اطلاع‌یابی کارگران و مدیران خدمات اجتماعی را جایگزین پژوهش‌هایی ساختند که تا پیش از آن بیشتر با محوریت دانشمندان در محیط‌های دانشگاهی صورت می‌پذیرفت و چون پرسشنامه را برای بررسی دقیق ارتباط میان فعالیت روزمره کارگران و نیازهای اطلاعاتی آن‌ها ناکارآمد و توصیف‌محور می‌دانستند، روش مشاهده را جایگزین پرسشنامه ساختند. از آنجایی که گردآوری داده‌ها به روش مشاهده، فرایندی وقت‌گیر و هزینه‌بر است، ویلسون و همکاران وی بر آن شدند تا به جای تعیین یک جامعه آماری بزرگ، نمونه‌های خود را با روش‌های غیرمعمول نمونه‌گیری برگزینند؛ و این‌گونه بود که پای مطالعات موردی و تحلیل‌های آماری غیرپارامتریک به میدان پژوهش‌های رفتار اطلاع‌یابی باز شد.

20. Action Research

21. Structured and Non-participant Observation

جدول ۱: وضعیت روش شناختی پژوهش های اطلاع یابی پیش و پس از پروژه اینیس (۱۹۷۷).

| پیش از اجرای پروژه | در حین اجرای پروژه |
|--|---|
| <ul style="list-style-type: none"> • بررسی دیدگاه کتابداران بجای کاربران • استفاده از پرسشنامه های خوداظهاری و پستی • عدم توجه به علل بروز رفتارها و توصیف صرف از آن ها • عدم توان کافی در آزمون فرضیه ها • فقدان تحلیل های تبیین گر • عدم برخورداری از نتایج عملیاتی • تمرکز بر مطالعه رفتار مهندسان و دانشمندان در محیط های علمی، به جای توجه به زندگی روزمره | <ul style="list-style-type: none"> • بکارگیری روش اقدام پژوهی • بکارگیری روش مطالعه موردی • آزمون فرضیه ها با تحلیل های آماری غیرپارامتریک • استفاده از روش مشاهده ساخت یافته و غیرحضورى • نوآوری های آزمون پذیر • شناسایی فعالیتهای روزمره جامعه پژوهش به منظور درک رابطه موجود میان کار و نیاز اطلاعاتی کاربران • مشاهده رفتار کارگران در خلال زندگی روزمره و محیط های غیررسمی |



نمودار ۱: الگوی روش شناختی ویلسون در مطالعات رفتار اطلاع یابی

۲- مدل کولثاو (۱۹۸۳-۱۹۸۹): استفاده از رویکردهای ترکیبی

ردیابی پیشینه مدل اطلاع یابی شش مرحله ای کولثاو، حکایت از آن دارد که وی برای معرفی مدل نهایی خود، پنج طرح مطالعاتی مختلف را در دوره های زمانی مختلف به مورد اجرا نهاده است. کولثاو، در نخستین گام، فرایند پژوهش کتابخانه ای دانش آموزان مقطع متوسطه را با تأسی از نظریه سازه جرج کلی، در قالب یک مطالعه کوچک مقیاس و در یک محیط طبیعی، مورد بررسی قرارداد و توانست مدل فرایند جستجوی اطلاعات خود را تدوین نماید. مدل یادشده، در گام بعد، از طریق دو مطالعه طولی به آزمون نهاده شد. نتایج حکایت از آن داشت که مدل شش مرحله ای جستجوی اطلاعات در مورد این گروه خاص از آزمودنی ها با گذر زمان، ثابت بوده است. در نهایت، کولثاو بر آن شد تا به کمک دو مطالعه میدانی بزرگ-مقیاس و بکارگیری روش های کمی و تحلیل های آماری، مدل خود را به اثبات برساند (کولثاو، ۱۹۹۱). هر پنج مطالعه، ماهیتی میدانی داشته و بر روی کاربران واقعی کتابخانه ها (که اغلب آن ها را دانشجویان دانشگاه ها و دانش آموزان مقطع متوسطه تشکیل می دادند) به

متبادر خواهد ساخت که فرایند گردآوری داده ها و مراحل تحلیل آن ها باید در نهایت، به نوآوری های آزمون پذیر در درون سازمان های ارائه دهنده خدمات اطلاعاتی، و نظام های اطلاعاتی بیانجامد (ویلسون و استریتفیلد، ۱۹۷۷).

ویلسون، در سال ۱۹۹۶، با اذعان به ماهیت میان رشته ای پژوهش ها در زمینه نیازهای اطلاعاتی و رفتار اطلاع-یابی کاربران، از طریق «مروار» و بازبینی نتایج پژوهش های حوزه های روانشناسی، رفتار مصرف کنندگان، مناسبات پزشکی، تصمیم گیری های سازمانی، و ملزومات اطلاعاتی طراحی نظام های اطلاعاتی، الگویی عمومی برای رفتار اطلاعاتی کاربران ارائه نمود که در واقع نسخه بازبینی شده مدل ۱۹۸۱ به شمار می آید (ویلسون، ۱۹۹۶). مدل دوم ویلسون، بر خلاف مدل اول، صرفاً بر اساس مرور نتایج دیگر پژوهش های اطلاع-یابی صورت پذیرفته، و در واقع ویلسون با این کار نشان داد که، می توان با تدقیق در یافته های دیگر پژوهش ها، بدون نیاز به اجرای طرح مطالعاتی، الگوهای اطلاع یابی گذشته را مورد بسط و جرح و تعدیل قرارداد و آن ها را در محیط های اطلاعاتی جدید بکار بست.

از دیگر وجوه مطالعات کولثا، بهره‌گیری وافی و کافی از نظریه‌های روان‌شناختی موجود، به ویژه نظریه‌های افرادی همچون جان دیویی و جرج کلی در حوزه رفتار اطلاع‌یابی است (فیشر، ۱۳۸۷، ص ۲۴۷). در واقع این موضوع، به زعم نگارندگان، ضمن تثبیت اهمیت ماهیت میان‌رشته‌ای مطالعات اطلاع‌یابی، می‌تواند به نوعی، بیانگر اهمیت توجه پژوهشگران به چارچوب‌های نظری و مفهومی در مطالعاتی از این دست باشد. همانگونه که در مدل برندا دروین نیز خواهیم دید، با ورود رویکردهای کاربرمدار و تأکید بر شناخت دنیای درونی کاربر در حین جستجوی منابع اطلاعاتی، رفته رفته پژوهشگران این حوزه (دست‌کم در خارج از کشور) دریافتند که با روش‌های کمی صرف نمی‌توان ماهیت فرایندهای جستجوی اطلاعات کاربران را آنگونه که باید مورد مذاقه قرار دهند.

۳- مدل دروین (۱۹۷۲، ۱۹۸۳، ۱۹۹۶): رویکرد معنابخشی (کمی و کیفی)

اهمیت مدل، یا چارچوب نظری برندا دروین در حوزه مطالعات اطلاع‌یابی، بیش از هر چیز، مرهون معرفی رویکردی است که از آن در متون تخصصی، تحت عنوان «معنابخشی» یاد شده است. گرچه دروین (۱۹۹۲، ص ۶۱) خود در بین تعابیر مختلف مُنتسب به رویکرد معنابخشی (از جمله، نظریه، روش، روش-شناسی)، همه را حائز شرایط دانسته، اما ویلسون (۱۹۹۹)، در مقاله‌ای که در آن به مرور مدل‌های اطلاع‌یابی پرداخته، رویکرد دروین را در زمره یکی از اصلی‌ترین مدل‌های اطلاع‌یابی قرار داده است. معنابخشی، به تعبیر دروین «نوعی روش شناسی تعمیم‌پذیر است که با هدف مطالعه تمامی موقعیت‌های دربرگیرنده تعاملات انسانی، طراحی گردیده است» (دروین، ۱۹۹۲، ص ۶۸).

مهم‌ترین ویژگی مدل دروین، به تعبیر ویلسون (۱۹۹۹)، رویکرد روش‌شناختی وی است. مدل دروین، به لحاظ فلسفی، با توجه به روش‌شناسی ترکیبی بکاررفته در آن، در حد فاصل دو پارادایم اثبات‌گرا و تفسیرگرا قرار می‌گیرد (اودهیامبو و دیگران، ۲۰۰۳). دروین، درگردآوری اطلاعات موردنیاز برای تکوین رویکرد معناشناختی خویش، از یک روش هسته (مصاحبه حضوری) با چهار روش فرعی به نام‌های زیر بهره گرفته است: (۱) جدول زمانی کوتاه‌لحظه، (۲) جدول زمانی

اجرا نهاده شد. کولثا خود به صراحت، به استفاده از روش‌های ترکیبی جهت بکارگیری نظریه‌های روانشناختی در مدل خود اذعان داشته، و روش‌های سنتی پژوهش در زمینه رفتار اطلاع‌یابی را برای بررسی تجارب شخصی کاربران ناکارآمد دانسته است: تغییر [پارادایم] به سمت کاربر، و جنبه‌های کل نگرانه استفاده از اطلاعات، مستلزم روش‌هایی است که بتواند فرایندهای درونی را که با روش‌های کمی قابل‌اندازه‌گیری نیستند، آشکار سازد... مشکلات پژوهش ... را بهتر می‌توان با روش‌های کیفی با هدف ارائه فرضیه‌های آزمون‌پذیر، مورد بررسی قرارداد و سپس، برای اندازه‌گیری و تأیید آن‌ها به روش‌های کمی‌تر متوسل شد (کولثا، ۱۹۹۳). کولثا، در مدل فرایند جستجوی اطلاعات خود، ضمن تأثیرپذیری آشکار از رویکرد معنابخشی دروین و مطالعات افرادی همچون بورگمان، بلکین و ویلسون، فرایند جستجو و استفاده از اطلاعات را از منظر نگاه کاربر (و نه سیستم اطلاعاتی)، مورد تأکید قرار داده است (کولثا، ۱۹۹۳). وی مدل اطلاع‌یابی مبتنی بر رویکرد معنابخشی را مستلزم توجه به سه نوع فعالیت دانسته است: فیزیکی (فعل و انفعال کاربر)؛ عاطفی (احساسات برورزاده شده)؛ و شناختی (افکار مربوط به فرایند و محتوا). مهم‌ترین ویژگی‌های عملیاتی پنج طرح مطالعاتی کولثا در جدول ۲ نشان داده شده است.

کولثا کار خود را با روش‌های کیفی آغاز نمود و رفته رفته بر آن شد تا با تعمیم یافته‌های خود به کمک پیاده‌سازی روش‌های آماری و جامعیت‌بخشیدن به دامنه آزمودنی‌های پژوهش، بر آن‌ها مهر تأیید بزند. نکته بارز در سیر مطالعاتی مدل کولثا، استفاده مکرر از پژوهش‌های طولی با محوریت یک جامعه آماری واحد است. در واقع، از دید کولثا، ارائه مدل اطلاع‌یابی، نقطه شروعی است برای انجام مطالعات بیش‌تر و عمیق‌تر.

کولثا، به روش‌های کیفی، نه به عنوان جایگزین، که ابزاری مکمل برای عمق‌بخشیدن به مطالعات اطلاع‌یابی نگرسته و در بیان ویژگی‌های این دو رویکرد و کاربرد آن‌ها در مطالعات اطلاع‌یابی می‌نویسد: «روش‌های کیفی، شیوه‌هایی برای کنکاش و بررسی یک مشکل و ارائه فرضیه‌های آزمون‌پذیر بدست می‌دهد... [در حالی که] روش‌های کمی، امکان بازبینی نتایج و آزمون فرضیه‌ها را فراهم می‌آورد» (کولثا، ۱۹۹۳).

جدول ۲: سیر مطالعاتی الگوی شش مرحله‌ای کولثا از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۹.

| مطالعه | سال | نوع و گستره | مراحل روش شناختی مطالعه | هدف |
|--------------|------|---------------------|--|--|
| مطالعه نخست | ۱۹۸۳ | کوچک مقیاس؛ کیفی | انتخاب ۲۶ دانش آموز سال آخر مقطع متوسطه؛ انتخاب موضوع پژوهش به اختیار دانش آموزان برای هر ترم تحصیلی؛ الزام دانش آموزان به ثبت احساسات و منابع اطلاعاتی مورد مشورت خود در حین جستجو در کتابخانه؛ طراحی یک پرسشنامه در مقیاس پنج نقطه ای لیکرت به منظور سنجش سطح شناخت دانش آموزان از اجزای شش گانه استفاده از کتابخانه؛ اجرای مطالعات موردی بر روی شش نفر از آزمودنی ها به منظور بررسی صحت داده های گردآوری شده در مراحل قبلی از طریق انجام مصاحبه های ۴۵ دقیقه ای؛ الزام دانش آموزان به توصیف روند پیشرفت جستجوها و ترسیم مراحل اقدامات انجام شده در قالب نمودار؛ تحلیل محتوای مراحل قبلی، و ارائه مدل. | پیشنهاد الگوی جستجوی اطلاعات |
| مطالعه دوم | ۱۹۸۸ | طولی؛ کیفی | مطالعه درصد تغییرات صورت گرفته در سطح دریافت آزمودنی های مطالعه نخست بعد از گذشت چهار سال تحصیل در دانشکده؛ بهره گیری از ابزار پرسشنامه؛ مقایسه پاسخ های فعلی و قبلی و تعیین درصد اختلاف از طریق آزمون تی. | آزمون مدل پیشنهادی بعد از گذشت چهار سال به منظور تعیین عامل زمان و شناسایی میزان تغییرات |
| مطالعه سوم | ۱۹۸۸ | طولی؛ کیفی | انجام مصاحبه با چهار نفر از شش نفر آزمودنی مطالعه نخست بعد از چهار سال تحصیل در مقطع کارشناسی طی برگزاری جلسات یک ساعته به منظور کسب اطمینان از تغییرات صورت گرفته در نوع نگاه آزمودنی ها نسبت به فرایند جستجو در طول زمان | آزمون مدل پیشنهادی بعد از گذشت چهار سال به منظور تعیین عامل زمان و شناسایی میزان تغییرات |
| مطالعه چهارم | ۱۹۸۹ | پیمایش؛ کمی | انتخاب ۱۴۷ دانش آموز سال آخر متوسطه در قالب شش مدرسه مجزا، تعیین موضوع پژوهش، آزمون نتایج به کمک آزمون تی و ضریب همبستگی پیرسون | اجرای مدل در ابعاد وسیع به کمک روش های آماری جهت تأیید نهایی |
| مطالعه پنجم* | ۱۹۸۹ | پیمایش؛ کمی | انتخاب ۳۸۵ کاربر از ۲۱ کتابخانه عمومی دانشگاهی و آموزشگاهی | پایه سازی مدل جستجوی اطلاعات برای اولین بار بر روی کاربران کتابخانه های دانشگاهی و عمومی |

تلخیص شده، ۳) زنجیره کمک، و ۴) پیغام / کیو- اینگ. جدول ۳ ناظر به توضیحات تکمیلی هر یک از این روش ها است.

ویژگی مهم این روش مطالعاتی در این است که آزمودنی در نقش یک همکار پژوهشی ظاهر می شود. در این حالت، آزمودنی، ضمن مشارکت در یک فرایند طولانی، به لحاظ بسیاری از ابعاد رویکرد مصاحبه، تحت آموزش قرار می گیرد. نکته ای که می توان در خصوص رویکرد روش شناختی دروین مطرح ساخت، ایجاد تنوع در روش گردآوری اطلاعات (در اینجا مصاحبه) است. گرچه دروین در گردآوری اطلاعات مورد نیاز خود از روش کیفی بهره گرفته، اما نکته اینجا است که نتایج بدست آمده را می توان به هر دو شکل کیفی و کمی تحلیل نمود (فرمان-ورنت^{۲۲}، ۲۰۰۳، ص ۱۴). دروین، خود در این خصوص می نویسد: «رویکرد معنابخشی، هر دو شکل از مصاحبه های کمی و کیفی، اعم از مصاحبه عمیق و مختصر، حضوری و تلفنی، یک نفره^{۲۳} و کانونی، و مصاحبه گر- محور و

۲۴. روش مصاحبه گر-محور (Interviewer-administered) و آزمودنی-محور (self-administered) به ترتیب، جزو روش های کمی و کیفی به حساب می آیند. در مصاحبه نوع اول، که به مصاحبه ساخت یافته نیز معروف است، سوالاتی یکسان و بسته، با روال از پیش تعیین شده، از آزمودنی ها پرسیده می شود. در حالی که در روش نوع دوم، اختیار عمل به خود آزمودنی واگذار می شود تا مسیر مصاحبه و پاسخ های خود را آنگونه که خود می خواهد هدایت نماید.

25. Interviewer-administered

22. Foreman-Wernet

23. one-on-one

| شيوه‌های مصاحبه | مختصات |
|-----------------------|---|
| جدول زمانی کوتاه‌لحظه | * بازسازی موقعیت توسط آزمودنی بر اساس آنچه که در آن روی داده است * توصیف جزئیات هر مرحله توسط آزمودنی * هدایت آزمودنی به سمت اجزای سه گانه مثلث معنابخشی (موقعیت، شکاف، استفاده) |
| جدول زمانی تلخیص‌شده | * تمرکز آزمودنی بر روی صرفاً یک مرحله، یا یک پرسش یا مانع. این روش مصاحبه، بیش تر در پژوهش‌هایی کاربرد دارد که در آن‌ها رفتارهای عادی و روزمره مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در اینگونه موارد، نیازی به عمق و جزئیات روش قبلی نیست. |
| زنجیره کمک | * این رویکرد، معطوف به شناسایی نحوه ایجاد ارتباط از سوی آزمودنی با اطلاعات، نظام، یا ساختار و خویشتن است. در این روش، از آزمودنی خواسته می‌شود تا میان پاسخ‌های خود و پرسش پیوند برقرار نماید. پرسش از آزمودنی به این شکل مطرح می‌شود: کتابخانه، یا پایگاه اطلاعاتی و یا... به چه نحو به شما یاری رسانده است؟ |
| پیغام / کیو- اینگ | در این روش، از آزمودنی خواسته می‌شود تا بر روی عناصر پیغامی که از مرحله تعریف شکاف یا عبور از شکاف دریافت داشته متمرکز شود |

اجرا نهاده شد. وی، دو سال بعد، در قالب دو مطالعه مختلف، الگوی اطلاع‌یابی خود را به مورد آزمون نهاد (رجوع کنید به ایس، ۱۹۸۹ الف و ۱۹۸۹ ب). ایس نیز با تأسی از ویلسون، حاکمیت رویکردهای کمی انگارانه بر حوزه مطالعات کاربران را مورد انتقاد قرار داده و معتقد است بکارگیری پرسشنامه‌های ساختاریافته و تحلیل‌های آماری، گرچه دیدی کلی و کمی در خصوص استفاده از اطلاعات به دست می‌دهند، اما برای داشتن تصویری قابل اعتماد از نحوه دریافت پژوهشگران از محیط اطلاعاتی‌شان کارایی ندارند (ایس، ۱۹۹۳). وی، آنگونه که خود در توضیحات مربوط به روش‌شناسی پژوهش‌های اطلاع‌یابی خویش اذعان داشته، به لحاظ روش نمونه‌گیری، از «رویکرد نظریه زمینه‌ای گلینزر و استراوس»^{۲۸} و به لحاظ روش گردآوری اطلاعات موردنیاز، از دیدگاه مشاهده‌محور تام ویلسون، تأثیرپذیرفته است (همان، ۱۹۹۳). تام ویلسون معتقد بود که تمامی روش‌های گردآوری اطلاعات، به نوعی، زیرمجموعه روش مشاهده قرار می‌گیرند. با این حال، وی، روش مشاهده غیرمستقیم (به شکل مصاحبه) را کارآمدتر از مشاهده مستقیم می‌دانست (ویلسون، ۱۹۹۰). ایس، بر اساس این دیدگاه، روش مصاحبه نیمه ساختاریافته غیررسمی را در دستور کار قرار داد و برای طراحی آن نیز از «راهنمای مصاحبه میشل پیتون»^{۲۹}، بهره‌گرفت. این راهنما، ضمن آنکه سؤالاتی را که باید در خلال مصاحبه از آزمودنی‌ها پرسیده شود در اختیار مصاحبه‌گر قرار می‌دهد، دست مصاحبه‌گر را نیز برای کنکاش و دقت‌نظر هر چه بیش‌تر در موضوع مورد بررسی بازمی‌گذارد (برای اطلاعات بیش‌تر در مورد این راهنما، رجوع کنید به پیتون، ۱۹۸۰). در پژوهش‌های کیفی،

رسد. این نوع مصاحبه‌ها، در پیمایش‌ها کاربرد فراوان دارند و به نوعی، نسخه شفاهی پرسشنامه‌های مکتوب به حساب می‌آیند. در نقطه مقابل، مصاحبه ساختاریافته قرار گرفته که در اصل، ریشه در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دارد، و به واسطه نادیده گرفتن کلیه الزامات روش ساختاریافته، از آن به عنوان یکی از روش‌های گردآوری اطلاعات در پژوهش‌های کیفی یاد می‌شود (چیلیسا^{۲۶}، ۲۰۱۲، صص ۲۰۶-۲۱۴). در متون مختلف، به جای عبارت مصاحبه ساختاریافته، گاه از تعابیری همچون «مصاحبه محاوره‌ای غیررسمی»، «مصاحبه غیراستاندارد»، «مصاحبه عمیق»، و «مصاحبه قوم‌شناختی» بهره گرفته شده است. سؤال اینجا است که پژوهشگر چگونه از میان این دو روش دست به انتخاب می‌زند؟ به نظر می‌رسد دلیل دروین برای درپیش گرفتن رویکرد ترکیبی در مطالعات خود، پوشش دادن نقاط ضعف و قوت این روش‌ها بوده است. اما در حالت کلی، تعیین ساختاریافتگی یا ساختاریافتگی مصاحبه، بیش از هر چیز، به ماهیت پژوهش، میزان شناخت پژوهشگر از موضوع، و هستی‌شناسی پژوهشگر برمی‌گردد. برای مثال، دنزین^{۳۱} (۱۹۸۹، صص ۱۰۲) معتقد است برای پی‌بردن به دنیای آزمودنی، پژوهشگر باید کار را از دریچه نگاه خود آزمودنی و بر اساس گفته‌های آزمودنی آغاز نماید.

۴- الگوی اطلاع‌یابی ایس (۱۹۸۹، ۱۹۹۳): نظریه زمینه‌ای

الگوی اطلاع‌یابی ایس، اول بار، در قالب طرح پایان‌نامه دکتری وی (ایس، ۱۹۸۷) در دانشگاه شفیلد، مطرح و به مورد

28. Glaser and Strauss's Grounded Theory Approach
29. Michael Patton's Interview Guide

26. Chilisa
31. Denzin

در معنای عام، و در نظریه زمینه‌ای، در معنای خاص، حجم زیادی از داده بر اثر ارتباط پیوسته پژوهشگر با آزمودنی حاصل می‌شود که نیازمند تحلیل است. ایس نیز، با توجه به کاربرد نظریه زمینه‌ای در پژوهش‌های اطلاع‌یابی خود، از این اصل مستثنی نبوده است. در اصل، کلیه فرایندهای تحلیل در پژوهش‌های کیفی، مبتنی بر تحلیل محتوا است و این رویکرد در بحث نظریه زمینه‌ای، بر اساس روش پیشنهادی گلنزر و استراوس، یعنی روش مقایسه‌ای مستمر^{۳۰}، صورت می‌پذیرد. در این روش، پژوهشگر، در جریان یک تلاش مستمر، داده‌های گردآوری‌شده را برای مقوله‌بندی و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، مورد تحلیل قرار می‌دهد تا در نهایت، پس از رسیدن داده‌ها به حد اشباع، نظریه نهایی را صورت‌بندی و تکوین نماید (گلنزر و استراوس، ۱۹۶۷، صص ۱۰۱-۱۱۵). مراحل (یا به تعبیر ایس، خصیصه‌های) شش‌گانه الگوی اطلاع‌یابی ایس، در واقع همان مقوله‌های هسته‌ای هستند که از دل مقایسه مستمر ویژگی‌های هر مقوله، در جریان پژوهش کیفی ایس بر روی پژوهشگران علوم اجتماعی، حاصل آمده است.

از دید ویلسون، مهم‌ترین ویژگی الگوی ایس، به مانند الگوی کولثا، ماهیت تجربی و آزمون‌های تعقیبی است که در بافت‌های مختلف بر روی آن انجام گرفته است (ویلسون، ۱۹۹۹).

مطالعات اطلاع‌یابی در ایران: پیمایش‌های مبتنی بر پرسشنامه‌های ساخت یافته

آنگونه که از چهار الگوی اطلاع‌یابی بررسی‌شده در سطور قبل برمی‌آید، برای ارائه و پیاده‌سازی تمامی آن‌ها از روش‌های پژوهش ترکیبی یا به تعبیری، رویکردهای کمی-کیفی، بهره‌گرفته شده است. البته مقصود نگارندگان متن حاضر، به هیچ وجه، اعلام حمایت از یک رویکرد علمی خاص نیست؛ بلکه، مقصود اصلی مقاله حاضر، متوجه‌ساختن پژوهشگران ایرانی به ضرورت پرهیز از آفت‌های انحصارطلبی روش‌شناختی، و پیوستن به جریان «تنوع روش‌شناختی» است. برخی نویسندگان در حوزه روش، با اتکاء به دیدگاه‌های کوهنی مبنی بر تغییر پارادایم‌های علمی و جایگزین‌شدن رویکردهای کیفی به جای کمی، سعی در ایجاد تقابل میان این دو رویکرد دارند، در حالی که به زعم نگارندگان متن حاضر، این دو

رویکرد، نه جایگزین، که مکمل یکدیگرند و در صورتی که به موقع و به جا بکارگرفته شوند می‌توانند اثرات مطلوبی بر پیکره‌ی پژوهش‌های علمی و به تبع آن، بالابردن بروندادهای علمی کشور برجای بگذارند. مطالعه کربلاآقایی و رضایی شریف آبادی (۱۳۸۸) با موضوع بررسی پژوهش‌های رفتار اطلاع‌یابی در ایران طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۸، نشان داد که ۸۵ درصد از پژوهش‌های اطلاع‌یابی در ایران به روش پیمایشی و بیش از ۹۶ درصد آن‌ها نیز با استفاده از ابزار پرسشنامه صورت پذیرفته است. به بیانی دیگر، از بین ۵۷ مقاله علمی پژوهشی انتشار یافته در یک بازه زمانی سیزده ساله، ۵۵ مورد آن‌ها با ابزار پرسشنامه به انجام رسیده و پژوهش‌های این حوزه‌ی مطالعاتی، به لحاظ روش‌شناختی، هیچگونه تغییری را در خلال سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۸ شاهد نبوده است. این در حالی است که یافته‌های بررسی اعظمی و داورپناه (۱۳۹۲)، بر روی متون و مطالعات انجام‌شده در زمینه نیاز اطلاعاتی و رفتار اطلاع‌یابی در ایران، بر نتایج پژوهش قبلی در خصوص انحصار روش پیمایش و استفاده از ابزار پرسشنامه صحه می‌گذارد. احمدی و یاری (۱۳۹۳) در قالب مطالعه‌ای مروری بر روی کلیه متون اطلاع‌یابی ایران (اعم از کتاب، پایان‌نامه و مقاله) به نتایج قابل‌توجهی در این زمینه دست‌یافتند: اول اینکه، پایان‌نامه‌ها و طرح‌های انجام‌شده در این حوزه، در اکثر مواقع، الگوبرداری از آثار قبلی بوده و تنها جامعه آماری پژوهش تغییر یافته است؛ نکته دوم آنکه، بیش از ۹۰ درصد از پژوهش‌های حوزه اطلاع‌یابی از نوع کاربردی بوده و به روش پیمایشی انجام شده‌اند. این در حالی است که مطالعات مروری انجام‌شده در مورد خارج از کشور در زمینه پژوهش‌های اطلاع‌یابی، به لحاظ روش‌شناختی، تا حدود زیادی با مطالعات ایران متفاوت است.

داورپناه و اعظمی (۱۳۸۹)، در مطالعه‌ای با موضوع مرور مطالعات انجام‌شده در جهان بر روی رفتار اطلاع‌یابی پرستاران، دریافتند که در پژوهش‌های موردبررسی، از روش‌های پژوهش مختلف با جامعه‌های آماری گوناگون و حجم نمونه متفاوت برای ارزیابی رفتار اطلاع‌یابی پرستاران استفاده شده؛ ضمن آنکه، رویکرد غالب تحقیق، با ۱۴ مورد فراوانی، به رویکرد کیفی اختصاص یافته است. در واقع، پژوهشگران رفتار اطلاع‌یابی پرستاران به این واقعیت پی‌برده‌اند که پیچیدگی-

30. Constant Comparative Method

است که می‌توان نقاطضعف یک روش پژوهش را از طریق نقاطقوت روشی دیگر، در مواقعی که محتوای پژوهش اقتضاء می‌کند، مرتفع ساخت. البته لازمه این کار شناخت کافی پژوهشگر از نقاط ضعف و قوت هر روش است که در بخش مربوط به گونه‌شناسی روش‌های پژوهش، به تفصیل از آن سخن خواهد رفت. به طور کلی، طرفداران رویکرد استفاده از روش‌های علمی چندگانه، قائل به اصل «زاویه‌بندی»^{۳۳} هستند. این اصطلاح، که در اصل، کارشناسان ارزیابی از آن، برای شناسایی منبع علائم رادیویی بهره‌می‌گیرند، در دنیای مطالعات روش، نخستین بار در مقاله ای از کمپل و فیسک^{۳۴} (۱۹۵۹) مطرح شد و مقصود از آن این است که برای شناخت یک پدیده یا ویژگی‌های آن، بهتر است از بیش از یک روش برای افزایش اعتبار و اطمینان استفاده نمود. این دو در واقع، اولین افرادی هستند که بر ضرورت استفاده از روش‌های پژوهش‌های چندگانه تأکید ورزیدند. در این رویکرد، به روش‌های پژوهش کمی و کیفی، نه به عنوان پارادایم‌های رقیب، که به عنوان رویکردهای مکمل نگریسته می‌شود. دنزین^{۳۵} (۱۹۷۸، ص ۲۹۱)، از زاویه‌بندی، تحت عنوان «ترکیب روش-های پژوهش مختلف جهت مطالعه پدیده‌ای واحد» یاد نموده است. با این حال، دیدگاه مقاله حاضر در خصوص ضرورت تنوع روش‌شناختی، تا حدودی با اصل زاویه‌بندی، در معنای استفاده همزمان از روش‌های کمی و کیفی، متفاوت است. تنوع روش‌شناختی، صرفاً به معنای استفاده همزمان از روش‌های کمی و کیفی در یک مطالعه واحد نیست، بلکه این تنوع حتی می‌تواند به شکل استفاده پژوهشگر از روش‌های کمی مختلف در قالب یک مطالعه واحد، یا، استفاده از انواع مختلف یک روش پژوهش خاص (به عنوان مثال، استفاده از پیمایش‌های طولی به جای پیمایش‌های مقطعی) متبلور گردد. آنگونه که تشکری و تدلی^{۳۵} (۱۹۹۸، ص ۴۲-۴۳) نیز عنوان داشته‌اند، با روش‌های علمی مختلف می‌توان جنبه‌های مختلفی از یک پرسش پژوهشی را مورد بررسی قرار داد. یک روش علمی، دروندادهایی متناسب با کاربرد سایر روش‌ها به دست می‌دهد؛ و استفاده از روش‌های مختلف، باعث افزایش گستره فعالیت علمی می‌گردد. واقعیت این است که «نباید به

های رفتارهای انسانی ایجاب می‌کند که از روش‌های گوناگون کمی و کیفی برای این منظور بهره‌گرفته شود. اکنون نتایج این مطالعات مروری در ایران را مقایسه کنید با مطالعه-ای که دونالد کیس به روشی تقریباً مشابه بر روی متون اطلاع‌یابی خارج از کشور صورت داده است:

کیس (۱۳۹۳)، در قالب کتابی جامع که به عنوان کتاب برگزیده انجمن علوم و فناوری اطلاعات در سال ۲۰۰۲ شناخته شده^{۳۱}، مطالعات صورت گرفته در زمینه اطلاع‌یابی، نیازهای اطلاعاتی و رفتار اطلاعاتی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. وی در فصل نهم کتاب (صفحات ۳۵۸ تا ۳۵۹)، در قالب یک جدول، بیش از ده روش پژوهش مختلف را با شاهد مثال مورد اشاره قرار داده که پژوهشگران رفتار اطلاع‌یابی، طی سال‌های مختلف، از آن‌ها برای کسب نتایج خود بهره برده‌اند که روش پیمایش، تنها یکی از آن‌ها است. وی، در جایی دیگر از کتاب خود، هدف از نگارش این فصل از کتاب را ابتدا، معرفی روش‌های مختلف بکارگرفته شده در مطالعات اطلاع‌یابی، و در وهله دوم، نشان دادن نقاط ضعف و قوت روش‌های علمی مختلف عنوان داشته است (کیس، ۱۳۹۳، ص ۴۳۶). هر چند که کیس در متن کتاب، به صراحت، از غالب بودن روش پیمایش در بین دیگر انواع پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه رفتار اطلاع‌یابی پرده برمی‌دارد (همان، ص ۳۵۷)، اما واقعیت این است که این حاکمیت، پژوهشگران اطلاع‌یابی را از توجه به دیگر انواع روش‌های پژوهش، به ویژه بهره‌گیری از روش‌های کیفی همچون مصاحبه و مشاهده، باز نداشته است.

فقدان تنوع روش‌شناختی در پژوهش‌های داخلی این حوزه: دلایل و پیشنهادها

پیش از وارد شدن به بحث مربوط به دلایل فقدان عدم بهره‌گیری پژوهشگران از روش‌های علمی متنوع در ایران، باید این نکته را خاطر نشان ساخت که هدف از عبارت «تنوع روش‌شناختی»، صرفاً، ترغیب پژوهشگران به استفاده از روش‌های پژوهش ترکیبی، به معنای یک پارادایم جدید روش‌شناختی نیست. بلکه هدف اصلی، تأکید بر این نکته

۳۱. کیس، دونالد (۱۳۹۳). جست و جوی اطلاعات، بررسی تحقیقات درباره اطلاع‌یابی، نیازهای اطلاعاتی و رفتار اطلاعاتی؛ ترجمه زاهد بیگلری و دیگران. اهواز: دانشگاه شهید چمران.

36. Triangulation
33. Campbell & Fiske
34. Denzin
35. Tashakkori & Teddlie

های پیشنهادی پایان‌نامه‌ها از سوی دانشجویان تحصیلات تکمیلی

۶- نگرانی پژوهشگران در خصوص امکان عدم پذیرش مقالاتی که با روش‌های غیرمعمول به انجام می‌رسند

۷- عدم تدریس جامع روش‌های پژوهش کیفی در سطح تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها

۸- حاکمیت کمی‌گرایی مفرط بر پیکره ساختار علمی کشور و به تبع آن، تلاش استادان و پژوهشگران برای ارائه خلق و ارائه بروندهای علمی در سریع‌ترین زمان ممکن

۹- نگرانی بیش از حد پژوهشگران در خصوص تعمیم‌پذیری نتایج تحقیقات خود

پیشنهادها

۱. بهره‌گیری از گونه‌شناسی روش‌های پژوهش

زمانی که مسئله پژوهش برای پژوهشگر روشن شد، نوبت به انتخاب بهترین (و نه لزوماً ساده‌ترین) روش برای یافتن پاسخ می‌رسد. در واقع، این مسئله پژوهش است که نوع روش مورد نیاز را تعیین می‌نماید. در این مرحله، پژوهشگر می‌تواند از طریق مراجعه به گونه‌شناسی روش‌های پژوهش، ضمن کسب شناخت بیش‌تر از نقاط ضعف و قوت هر روش، در خصوص انتخاب نهایی خود اطمینان حاصل نماید. این پیشنهاد در واقع مشکل عدم شناخت وافی و کافی پژوهشگران از نقاط ضعف و قوت روش‌های مختلف علمی را مورد پوشش قرار می‌دهد. البته این موضوع در بین پژوهشگران ایرانی، چه در سطح طراحی و چه در سطح استفاده، چندان با اقبال همراه نبوده و جای خالی آن در سرفصل دروس روش تحقیق ایران احساس می‌شود.

گونه‌شناسی روش‌های علمی، مستلزم برخورداری از یک نظام جامع طبقه‌بندی است و اینجا است که جمله معروف جان دیویی که «همه دانش در طبقه‌بندی خلاصه می‌شود»^{۳۷} بیش از پیش جلوه‌گری می‌کند. نکته اینجا است که گونه‌شناسی روش‌های پژوهش با کتب روش تحقیق متفاوت است. فنون تحقیق را می‌توان به راحتی با خواندن چند کتاب روش تحقیق آموخت (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۳: به نقل از حیاتی،

روش‌های علوم اجتماعی به دید گزینه‌هایی مانع‌الجمع، که به ناچار باید از میان آن‌ها دست به انتخاب زد، نگریست... شاید روش‌های انفرادی، ناقص باشند؛ اما خوشبختانه، نواقص آن‌ها همسان نیستند... تنوع کاستی‌ها، این امکان را فراهم می‌آورد تا برای جبران آن‌ها، روش‌های مختلف را با یکدیگر ترکیب ساخت» (برور و هانتز^{۳۶}، ۱۹۸۹، ص ۱۶-۱۷).

در متون علمی روش پژوهش کتابداری ایران، بعضاً به شکلی جسته و گریخته، به آفت‌ها و آسیب‌های پژوهش در ایران اشاره شده است که به نوعی ماحصل تجارب و مشاهدات نویسنده (گان) می‌باشد. برای مثال، حری و دیگران (۱۳۸۸) با توجه به اهمیت موضوع روش‌شناسی پژوهش، مهم‌ترین چالش‌های پیش روی این مقوله در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی را در قالب نشستی تخصصی با حضور برخی از اساتید و صاحب‌نظران رشته به بحث نهادند. مدگرایی، حاکمیت رویکردهای اثبات‌گرایانه، فقدان آموزش‌های لازم در زمینه مسئله‌یابی و دیدگاه سنتی اساتید نسبت به روش پژوهش از جمله چالش‌هایی است که در طول نشست مورد تأکید قرار گرفت. فدایی (۱۳۹۲) نیز در سرسخن نشریه «تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی»، ۱۷ نوع آفت را برای پژوهش برشمارده که از آن جمله می‌توان به تقلیدگرایی، تازه‌گرایی، آمارگرایی و بیگانه‌گرایی اشاره نمود. نگارندگان بر این باورند که بخشی از معضل فقدان تنوع روش‌شناختی در مطالعات اطلاع‌یابی ایران را می‌توان منبعث از عوامل زیر دانست که در کتاب زوستاک (۲۰۰۴) نیز با بیانی دیگر به بخشی از آن‌ها اشاره شده است:

۱- عدم شناخت وافی و کافی پژوهشگران از نقاط ضعف و قوت روش‌های مختلف علمی

۲- عدم دراختیارداشتن فرصت کافی برای اجرای طرح‌های تحقیقاتی طولانی‌مدت

۳- عدم حمایت مالی مراکز آموزشی از طرح‌های تحقیقاتی بنیادین در حوزه رفتار اطلاع‌یابی به مانند آنچه که در خارج از کشور در حال انجام است

۴- فقدان مراکز تحقیقاتی تخصصی در زمینه رفتار اطلاع‌یابی

۵- عدم تأکید استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها بر لزوم بکارگیری روش‌های علمی مختلف در حین ارائه طرح-

42. All Knowledge is Classification

40. Brewer and Hunter

غیرارادی؛ ۲) تعداد آزمودنی‌ها؛ ۳) نوع علیت (شامل منفعلانه، کنش‌ها و نگرش‌ها؛ ۴) معیارهای چهارگانه شناسایی روابط علی (همبستگی، ترتیب زمانی، تقابل مدارک و فرضیه‌های جایگزین، و متغیرهای مداخله‌گر)؛ ۵) فرایندهای تصمیم‌گیری؛ ۶) پدیده‌ها و فرایندهای خارج از محدوده نظریه‌های خاص؛ ۷) تقابل روابط یک‌نگارانه و چندنگارانه؛ ۸) وضعیت مکانی^{۴۱} (آیا روش مذکور امکان مطالعه در خلال جا به جایی مکانی را فراهم می‌آورد؛ ۹) تغییرات در طول زمان (با تأکید بر اینکه آیا سطح پوششی که از طریق روش مذکور فراهم می‌آید، حالت ایستا دارد یا پیوسته)؛ ۱۰) مسیرهای زمانی مختلف.

به هر روی، رویکرد طراحان گونه‌شناسی‌های روش هر چه که باشد، آنچه بیش از هر عامل دیگری در این بین مهم است، قابلیت این‌گونه ابزارها در کمک به پژوهشگران جهت انتخاب روش‌های پژوهش متناسب با شرایط موجود است.

۲. تدریس کاربردی روش‌شناسی پژوهش در سطح تحصیلات تکمیلی

«هیچیک از دروسی که [در مراکز آموزشی] تدریس می‌گردد، به اندازه درس روش تحقیق حائز اهمیت نیست» (سینگلتون و استریت^{۴۲}، ۱۹۹۹، ص ۱۷). این جمله، و جملاتی شبیه به این، زمانی می‌تواند از حصار یک جمله صرف خارج شده و جنبه عملیاتی به خود بگیرد که گروه‌های آموزشی علم اطلاعات و دانش‌شناسی در ایران، آموزش روش‌های پژوهش پیشرفته را با محوریت جامعه‌ی عمل‌پوشاندن به ایده «تنوع روش‌شناختی» در دستور کار قرار دهند. واقعیت این است که اکثر استادان قدیمی این رشته در ایران، پرورش‌یافته مکتب کمی‌گرایی هستند و کمتر استادی را می‌توان در این حوزه سراغ‌گرفت که تجربه انجام پژوهش‌های کیفی یا دست کم ترکیبی را در کارنامه کاری خود داشته باشد. مطالعات کاربرمدار، همچون پژوهش‌های اطلاع‌یابی، از جمله مستعدترین حوزه‌ها برای اجرای روش‌های پژوهش چندگانه است و این مهم تنها از طریق آموزش فنون پیاده‌سازی روش‌های علمی مختلف به دانشجویان امکان‌پذیر است. داشتن تبحر در زمینه روش‌های چندگانه، مستلزم آموزش است و گروه‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی باید به این نکته

(۱۳۸۸)؛ در حالی که با خواندن چند کتاب نمی‌توان روش‌شناس شد. یک روش‌شناس، درک مناسبی از نقاط ضعف و قوت هر روش داشته و به کاربردپذیری هر یک از آن‌ها وقوف کامل دارد. بایلی^{۴۳} (۱۹۹۴، ص ۲)، گونه‌شناسی را نوعی طبقه‌بندی، با ماهیت چندوجهی و مفهومی تعریف می‌کند. وی چندین مزیت را برای گونه‌شناسی برمی‌شمارد: به دانشمندان امکان می‌دهد تا محل قرارگرفتن یک طبقه خاص را در امتداد هر یک از ابعاد تشخیص دهند. دانشمندان می‌توانند ببینند که کدامین طبقات، دارای بیش‌ترین تفاوت، و کدامین طبقات دارای بیش‌ترین سطح شباهت هستند (موضوعی که در تحلیل‌های جدید پزشکی خیلی حائز اهمیت است). همچنین، دانشمندان می‌توانند در خصوص جامعیت طبقه‌بندی خود اطمینان حاصل نموده و بر این اساس، فهرستی فراهم‌آورند که به موجب آن «در تمامی احوال، بدانند کدامین گونه‌ها یا طبقات، برای تحلیل، قابل دسترس‌اند» (همان، ص ۱۲). از طریق گونه‌شناسی روش‌ها می‌توان به راحتی، شکاف میان پژوهش‌های فعلی، و همین‌طور، نیازهای پژوهشی آتی را شناسایی نمود و راه را برای توسعه روش‌های پژوهشی جدید هموارساخت (دورانت^{۴۴}، ۲۰۰۴).

در بحث طراحی گونه‌شناسی روش‌های علمی، چند نکته قابل‌تأمل وجود دارد: اول اینکه، گونه‌شناسی واحد و منحصر به فردی که بتوان در تمامی کارها به آن تکیه نمود وجود ندارد؛ دوم آنکه، ماهیت گونه‌شناسی‌ها ممکن است، بسته به اینکه با چه رویکردی و از چه زاویه‌ای طراحی شده باشند، متفاوت باشد؛ و نکته آخر آنکه، هر یک از رشته‌های علمی می‌توانند بر حسب اقتضاء، گونه‌شناسی خاص خود را تدوین نمایند.

گاهی، گونه‌شناسی روش‌های علمی، به شکل تحلیلی تدوین می‌یابد. در این حالت، قابلیت‌های هر روش علمی، بر حسب معیارهایی از پیش تعیین‌شده، مورد تحلیل و طبقه‌بندی قرار می‌گیرد. گونه‌شناسی زوستاک^{۴۵} (۲۰۰۴) در این دسته قرار می‌گیرد. وی، در فصل ۴ کتاب طبقه‌بندی علم خود (ص ۱۳۸)، ده معیار را برای طراحی گونه‌شناسی نقاطضعف و قوت روش‌های علمی برشمرده است: ۱) نوع عاملیت‌ها (اعم از ارادی یا

46. Spatiality
47. Singleton and Strait

43. Bailey
44. Durrant
45. Szostak

تعداد مجلاتی که در خارج کشور اقدام به پذیرش مقالات علمی با محوریت روش‌های ترکیبی می‌نمایند رو به افزایش است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به «مجله پژوهش‌های ترکیبی»، «کمی و کیفی» و «روش‌های میدانی» اشاره داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

توضیحات ارائه‌شده در سطور قبل به خوبی حاکی از این واقعیت است که پژوهشگران ایرانی، در مطالعات اطلاع‌یابی خویش، از سنت روش‌شناختی حاکم بر پژوهش‌های تأثیرگذار این حوزه، غافل بوده و رویکردی کلیشه‌ای (و گاه الگوبرداری صرف از آثار دیگران) را در دستور کار قرار داده‌اند. نکته تناقض‌آمیز قضیه اینجا است که این بی‌اعتنایی، در شرایطی صورت می‌پذیرد که پژوهشگران ایرانی، بارها و بارها در بخش پیشینه مطالعات خود، به پژوهش‌های تأثیرگذار گذشته ارجاع می‌دهند بی‌آنکه اندک نگاهی به روش‌های بکارگرفته از سوی آن‌ها داشته باشند. از آنجا که استناد، غالباً به آثاری تعلق می‌گیرد که در خصوص اعتبار نتایج آن اطمینان حاصل شده باشد، بر حسب قاعده، انتظار این است که پژوهشگران استناددهنده، علاوه بر نتایج و یافته‌ها، نیم نگاهی نیز به روش‌هایی که نتایج آن پژوهش‌ها را رقم زده، داشته باشند.

البته فقدان تنوع روش‌شناختی، صرفاً معطوف به کم‌توجهی به رویکردهای کیفی نبوده، و حتی در خود رویکردهای کمی نیز، فقدان تنوع روش‌شناختی به خوبی در آثار انتشاریافته در این حوزه مشهود است. عدم بهره‌گیری وافی و کافی از مطالعات موردی، پیمایش‌های طولی، یا فراتحلیل شاهدهی است بر این مدعا. شاید به همین دلیل باشد که در برخی از محافل غیررسمی، از حوزه بسیار مهمی همچون اطلاع‌یابی، تحت عنوان موضوعی «نخ‌نماشده» و «تاریخ‌مصرف‌گذشته» یاد می‌شود؛ در حالی که اگر به دقت بنگریم، آنچه تاریخ مصرف آن گذشته، روش‌های یکنواخت و تکراری است که گویی با سرنوشت این‌گونه مطالعات در ایران پیوند خورده است. واقعیت این است که تمامی روش‌ها، در عین برخورداری از نقاط قوت مخصوص به خود، محدودیت‌های خاص خود را دارند. این واقعیت که روش‌های علمی را می‌توان بر اساس جنبه‌های متعدد از یکدیگر تمیز داد، خود حاکی از این واقعیت است که، ساحت علم باید از حاکمیت یک روش علمی واحد

اذعان نمایند که می‌توان توان پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی را از طریق دعوت از استادان گروه‌های علمی پیشگام در زمینه بکارگیری روش‌های علمی چندگانه، تقویت ساخت. بررسی‌های غیررسمی در سایت مجله «تحقیقات کیفی در علوم سلامت»^{۴۳} حاکی از آن است که در حال حاضر، پژوهشگران حوزه سلامت (به ویژه پرستاری) جزو پیشگامان بکارگیری روش‌های علمی چندگانه در ایران به حساب می‌آیند که می‌توان از این ظرفیت در گروه‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی نیز بهره‌گرفت.

۳. سوق‌دادن پایان‌نامه‌های دکتری به سمت پژوهش‌های ترکیبی

دوره چهارساله دکتری در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی بهترین فرصت برای پیاده‌سازی طرح‌هایی است که در حالت عادی امکان پیاده‌سازی آن‌ها نیست. دانشگاه فرصت مغتنمی است برای اینکه بتوان فقدان مراکز تحقیقاتی تخصصی در حوزه مطالعات کاربرمدار را از طریق تأمین هزینه‌های مالی و ایجاد وقت کافی برای دانشجویان دکتری مرتفع نمود. خوشبختانه چندی است که در برخی از گروه‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی در دانشگاه‌های ایران، از جمله دانشگاه شهید چمران اهواز، مسیر پایان‌نامه‌های دانشجویی، با هدایت استادان، به سمت بکارگیری روش‌های علمی متنوع سوق یافته که البته امید است این گرایش، صرفاً جنبه یک هیجان کاذب و زودگذر برای جانماندن از قافله‌ی مطالعات ترکیبی در خارج از کشور را نداشته باشد.

۴. راه‌اندازی مجلات تخصصی با رویکرد تنوع‌بخشیدن به روش‌های علمی

گرایش قابل توجه پژوهشگران ایرانی به مطالعات اطلاع‌یابی، حاکی از آن است که این حوزه‌ی مطالعاتی، از زیرساخت لازم برای بهره‌مندی از مجلات ویژه و تخصصی در زمینه نیاز اطلاعاتی و رفتار اطلاع‌یابی برخوردار است. اما چنانچه رویکرد راه‌اندازی چنین مجلاتی همچنان مبتنی بر پذیرش مقالات با محوریت کمی‌گرایی باشد، در آن صورت، نمی‌توان انتظار داشت پژوهشگران این حوزه به سمت پیاده‌سازی روش‌های علمی متنوع و به نسبت کم‌اقبال، گرایش پیدا کنند.

۴۳. نشانی اینترنتی مجله: <http://jqr.kmu.ac.ir>

احمدی، حمید و یاری، شیوا (۱۳۹۳). مروری بر متون رفتار اطلاع یابی در ایران. پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۰ (۱)، ۱۷۳-۱۹۷.
اعظمی، محمد و داورپناه، محمدرضا (۱۳۹۲). نیاز اطلاعاتی و رفتار اطلاع یابی در ایران: بررسی متون و مطالعات انجام شده. مجله دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی کرمان؛ ۱ (۱)، ۶۵-۷۹.
بادن، دیوید (۱۳۸۸). کاربران، مطالعات کاربرمدار، و رفتار اطلاعاتی انسان: نگاهی به بازتاب مقاله مطالعات کاربرمدار و نیازهای اطلاعاتی انسان اثر تام ویلسون در خلال سه دهه گذشته. ترجمه رضا مختاریپور. کتابداری و اطلاع رسانی، ۱۲ (۳)، ۱۸۶-۲۰۳.

پاول، دونالد (۱۳۸۵). روش های اساسی پژوهش برای کتابداران. ترجمه نجلا حریری. تهران: آثار نفیس

حری، عباس و دیگران (۱۳۸۸). روش شناسی پژوهش در علوم کتابداری و اطلاع رسانی، چالش ها و راه کارها، کتاب ماه کلیات، بازیابی شده در ۱۳۹۴/۰۹/۲۷ از

<http://www.ensani.ir/storage/Files/20120326164141-3039-460.pdf>

حیاتی، زهیر (۱۳۸۸). نوشتاری در باب روش شناسی تحقیق. بازیابی شده در ۱۳۹۴/۰۶/۱۴ از

<http://www.ensani.ir/storage/Files/20120326164142-3039-461.pdf>.

داورپناه، محمدرضا و اعظمی، محمد (۱۳۹۰). نیاز اطلاعاتی و رفتار اطلاعاتی پرستاران: مروری بر مطالعات انجام شده در جهان. تحقیقات اطلاع رسانی و کتابخانه های عمومی، ۱۷ (۳)، ۴۲۷-۴۵۳.
فدایی، غلامرضا (۱۳۹۲). آسیب های پژوهش، تحقیقات اطلاع رسانی و کتابخانه های عمومی، ۱۹ (۲)، ۱۶۳-۱۶۸.

فیشر، کرن، اردلز، ساندا، مک کچنی، لین (۱۳۸۷). نظریه های رفتار اطلاعاتی. ترجمه فیروزه زارع فراشندی و دیگران. تهران: کتابدار.

کربلایی آقایی، معصومه و رضایی شریف آبادی، سعید (۱۳۸۸). بررسی پژوهش های رفتار اطلاع یابی در ایران: مطالعه کتابسنجی. مجله کتابداری، ۴۳ (۵۰)، ۴۵-۶۹.

کیس، دونالد (۱۳۹۳). جست و جوی اطلاعات بررسی تحقیقات درباره اطلاع یابی، نیازهای اطلاعاتی و رفتار اطلاعاتی؛ ترجمه زاهد بیگدلی و دیگران. اهواز: دانشگاه شهید چمران.

منابع لاتین

- Bailey, K. D. (1994). *Typologies and Taxonomies: an introduction to classification techniques*, Sage, Thousand Oaks CA.
Brewer, J. & Hunter, A. (1989). *Multimethod Research: a synthesis of styles*. Sage, Newbury Park CA.
Campbell, D. T. & Fiske, D. W. (1959). Convergent and discriminant validation by the multitrait-multimethod matrix. *Psychological Bulletin*, 56, 81-105.
Chilisa, B. (2012). *Indigenous research methodologies*. Thousand Oaks, Calif.: SAGE Publications.

مُبراً باشد. مفروضی که می توان در این خصوص ارائه داد از این قرار است: چون هیچ روشی کامل نیست، دانشمندان باید برای توجیه گزاره های نظری خود، به دنبال روش های مختلف باشند؛ چرا که حقیقت (یا دست کم، آنچه که حقیقت پنداشته می شود)، به تعبیر فیلسوف عملگرا، چارلز ساندرز پیرس، از تلاقی چشمه های مستقلی از مدارک مفید حاصل می شود (زوستاک، ۲۰۰۴، ص ۱۴۷).

نکته بسیار مهم دیگر، که همیشه هم مغفول مانده، توجه به این واقعیت است که در دل هر دیدگاه مخالفی، نکاتی قابل تصدیق نهفته است. بنابراین، دانشمندان باید همیشه مراقب مواضع افراطی باشند. زوستاک (۲۰۰۴، ص ۱۶)، ضمن اعلام حمایت از اصل «درون مایه حقیقت»، معتقد است که هر دیدگاهی که در یک دوره زمانی طولانی، مورد وثوق عده کثیری از افراد قرار گرفته، مایه هایی از حقیقت را در دل خود نهفته دارد. شکل بسط یافته چنین استدلالی در حالت منطقی، این است که به هنگام برخورد با دو دیدگاه مخالف در یک زمینه موضوعی واحد، که هر یک در طول زمان، طرفداران بسیاری را به دور خود گردآورده، باید این احتمال را داد که پاسخ صحیح، در جایی از هر دو نوع دیدگاه نهفته باشد. واقعیت این است که چنانچه پژوهشگری بخواهد روایی و پایایی را، به عنوان مهم ترین معیارهای ارزیابی نتایج یک پژوهش، همزمان در کار خود رعایت نماید، ناگزیر باید روش های علمی مختلف و چندگانه را در دستور کار قرار دهد (کیس، ۱۳۹۳، ص ۳۴۱).

به کمک مطالعه ای آثار نگاشته شده در زمینه روش و روش شناسی های پژوهش در امتداد گستره وسیعی از رشته های علمی، می توان به شیوه ای استقرائی، به فهرستی از روش های علمی دست یافت و آن ها را به تناوب، در قالب پژوهش های مستقل، به بوته آزمایش نهاد تا میزان توانمندی آن ها در مطالعاتی همچون مطالعات کاربران به اثبات برسد.

تقدیر و تشکر

نگارندگان در طول انجام مطالعه حاضر، از راهنمایی های بی دریغ استاد ارجمند جناب آقای دکتر زاهد بیگدلی بهره فراوان برده و خود را مرهون الطاف ایشان می دانند.

منابع

منابع فارسی

- Kuhlthau, c.c. (1988). Developing a Model of the Library Search Process: Cognitive and Affective Aspects, *RQ*, 28 (2), 232-242.
- Kuhlthau, c.c. (1991). Inside the search process: information seeking from the user's perspective. *Journal of the American Society for Information Science*, 42 (5), 361-371.
- Kuhlthau, c.c. (1993). A Principle of Uncertainty for Information Seeking, *Journal of Documentation*, 49(4), 339-355.
- Odhiambo, F., Harrison, J. & Hepworth, M. (2003). The information needs of informal carers: An analysis of the use of the Micro - Moment Time Line Interview. *Library and Information Research*, 27 (86), 19-29.
- Patton, M. Q. (1980). *Qualitative Evaluation Methods*. London: Sage.
- Singleton, R.A., & Strait, B.C. (1999). *Approaches to Social Research* 3rd ed., Oxford University Press, New York.
- Szostak, Rick (2004). *Classifying Science, Phenomena, Data, Theory, Method, Practice*. Netherlands: Springer.
- Tashakkori, A., & Teddlie, C. (1998). *Mixed Methodology: combining quantitative and qualitative approaches*, Sage, Thousand Oaks CA.
- Wildemuth, B. M. (2009). *Applications of social research methods to questions in information and library science*. Westport, CT: Libraries Unlimited.
- Wilson, T.D. (1994). Information needs and uses: fifty years of progress? In: Vickery, B.C., ed. *Fifty years of information progress: a Journal of Documentation review*. London: Aslib, 15-51.
- Wilson, T. D. (1981). On user studies and information needs. *Journal of Documentation*, 37(1), 3-15.
- Wilson, T.D. & Streatfield, D.R. (1981b). Structured observation in the investigation of information needs. *Social Science Information Studies*, 1(3), 173-184.
- Wilson, T.D. (1990). Object or Participant-the Information User in Information Research. *Swedish Library Research*, 3, 5-16.
- Wilson, T.D. (1999). Models in information behavior research. *Journal of Documentation*, 55(3), 249-270.
- Wilson, T.D. (2000). Human Information Behavior. *Informing Science*, 3 (2), 49-56.
- Wilson, T.D. (2002). Information science and research methods. Retrieved September 20 2015 from <http://www.informationr.net/tdw/publ/papers/slovak02.html>.
- Wilson, T.D. (2005). Evolution in information behaviour modelling: Wilson's model, in Fisher, K.E., Erdelez, S. and McKechnie, L. (Eds), *Theories of Information Behaviour*, *Information Today*, Medford, NJ, pp. 31-6
- Denzin, N. K. (1978). *The Research Act*, 2d Ed. New York: McGraw-Hill.
- Denzin, N. K. (1989). The sociological interview. In *The Research Act: A Theoretical Introduction to Sociological Methods* (pp. 102-120). Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Dervin, B. & Frenette, M. (2003). *Sense-Making Methodology: Communicating Communicatively with Campaign Audiences*. Public communication campaigns, 69- 87.
- Dervin, B. (1983). An overview of sense-making research: concepts, methods and results to date. *International Communications Association Annual Meeting*, Dallas, Texas.
- Dervin, B. (1992). From the mind's eye of the user: The sense-making qualitative-quantitative methodology. In J.D. Glazier and R.R. Powell (Eds.), *Qualitative research in information management*, Englewood, CO: Libraries Unlimited.
- Durrant, G. B. (2004). *A Typology of Research Methods Within the Social Sciences*. Retrieved September 20 2015 from <http://eprints.ncrm.ac.uk/115/1/NCRMResearchMethodsTypology.pdf>
- Ellis, D. (1987). *The Derivation of a Behavioural Model for Information Retrieval System Design*. Ph.D. thesis, University of Sheffield Department of Information Studies-Sheffield.
- Ellis, D. (1989a). A Behavioral Approach to Information Retrieval System Design. *Journal of Documentation*, 45, 171-212.
- Ellis, D. (1989b). A Behavioral Model for Information Retrieval System Design. *Journal of Information Science*, 15, 237-47.
- Ellis, D. (1993). Modeling the Information-Seeking Patterns of Academic Researchers: A Grounded Theory Approach. *Library Quarterly*, 63 (4), 469-486.
- Foreman-Wernet, L. (2003). Rethinking Communication: Introducing the Sense-Making Methodology. In B. Dervin and L. Foreman-Wernet with E. Lauterbach (Eds.). *Sense-Making methodology reader: Selected writings of Brenda Dervin* (Chapter 1, pp. 3-16). Cresskill, NJ: Hampton Press.
- Glaser, B. G., & Strauss, A. L. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. New York: Aldine.
- Julien, H. (1997). A content analysis of the recent information needs and uses literature. *Library & Information Science Research*, 18 (1), 53-65.
- Julien, H., & Duggan, L. J. (2000). A longitudinal analysis of the information needs and uses literature. *Library & information science research*, 22 (3), 291-309.
- Julien, H., Pecoskie, J. J., & Reed, K. (2011). Trends in information behavior research, 1999-2008: A content analysis. *Library & Information Science Research*, 33(1), 19-24.

- Wilson, T.D. and Streadfield, D.R. (1977). Information Needs in Local Authority Social Services Departments: An Interim Report On Project INISS, *Journal of Documentation*, 33 (4), 277-293.
- Wilson, T.D. and Walsh, C. (1966). Information behaviour: an interdisciplinary perspective. Sheffield: University of Sheffield Department of Information Studies.
- (ASIST Monograph Series).
- Wilson, T.D. (2010). Fifty Years of Information Behavior Research. *Bulletin of the American Society for Information Science and Technology* 36(3).
- Wilson, T.D. and Streadfield, D.R (1979). Information Needs in Local Authority Social Services Departments: A Second Report On Project INISS, *Journal of Documentation*, 35 (2), 120-136.



Comparative Study of Methodological Approach to Models and studies of Information Seeking Behavior of Iranian Researchers

Reza Mokhtarpour, (Corresponding author) PhD Student of LIS, Shahid Chamran University. Ahvaz, Iran. rezamokhtarpour@gmail.com

Maryam Keshvari, PhD Student of LIS, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran.

Abstract

Background and Aim: The aim of this article is to revise the methodological status of some of the most prominent studies and models in the field of Information Seeking Behavior in order to provide Iranian researchers with a brief comparative perception of the field.

Method: A literature review approach is applied to identify the research methods and historical origins of each study related to the realm of ISB.

Results: Research studies suggest that Iranian researchers - in their information seeking endeavors - have been unaware of the methodological tradition of the most prominent studies in this capacity, which are mainly based on the principle of methodological diversity and most of time have been imitating the methodological approach of other researchers in a stereotyped manner.

Conclusion: By deliberating the books written on the subject of study and research methodologies across a wide range of scientific disciplines, one can in a deductive manner, grasp a list of scientific methods in the form of independent researches to test the extent of their capabilities. The main Key to current problems is methodological diversity.

Keywords: Information Seeking Behavior, Research Methodology, User Studies, ISB Models, Methodological Diversity